

محا کة وجدان

« ویکتور هوگو » میگوید : « وجدان هیولای خیالات و آرزوها و طمعها و تجربه هاست ، کانون تصورات باطنی و مقارنه افکاری است که شخص از اظهار آنها شرم دارد ، وجدان قرارگاه مقاله و میدان مبارزه شهوات نفسانی است . »
در اینصورت ، تحلیل و تدقیق مطالب راجعه بو وجدان کار آسانی نیست . يك مسئله وجدانی را هر کس بنوعی ملاحظه کرده و مطالعاتی در آن نموده باقتضای تصورات خویش اظهار رأی میکند ، رأیها و حکمهای اشخاص ابدآبام توافق ندارند ، میخواهیم یکی از این مسائل را بنظر سائب دوراندیش شماعرضه بداریم :

بازبگری که در فن ورزش مهارت کامل دارد در جائی مرتفع بر روی تخت با کهواره چوبی نشسته ، با یکدست زنش را گرفته ، با دست دیگر دخترش را چسبیده ، فرود آمدن مشغول است . در اینوقت می بیند در نقطه که طنابها به سقف متصل هستند گره اصلی نزدیک است باز شود ، موقعی است بسیار موحش و هولناک ، برای سبک کردن بار خویش ناچار است زنش را با دخترش را رها کند ، بنا براین مجبور است یکی از این دو نفر را فدای زندگی دونفر دیگر نماید یا خودش نیز با آنها از بالا پائین افتاده هر سه هلاک شوند .
تکلیف این آدم چیست ؟ بهلاکت خودش و زنش و دخترش

راضی بشود؟ از حیات دخترش صرف نظر کند؟ سلامت زنش را ترجیح بدهد؟ مردن او را تصویب نموده بخلاصی خودش و دخترش بکوشد؟

يك مسئله وجدانی ۱ ماهه محاکمه مختلف را در اینجا مینویسیم:
 ۱ - در حالیکه از سه نفر ممکن است دو نفر خلاص شوند هلاکت همگی خلاف عقل است، این بازیگر مادام که نمیتواند خود را فدا کرده آن دو نفر را نجات دهد جز اینکه خودش را بازنش یا دخترش مستخلص نماید چاره ندارد. حکم وجدان من چنین است که این آدم بمسرك زن راضی شده دختر را خلاص کند، زنش خانواده تشکیل داده، دختری آورده و او را بزرگ کرده، و وظیفه خود را ادا نموده و تا اندازه از زندگانی بهره مند شده است، اما این دختر که بمن بلوغ رسیده هنوز از حیات نتمی نیافته است.

۲ - من نیز تصدیق میکنم در صورتی که ممکن است دو نفر نجات یابند هلاکت سه نفر خلاف عقل است، اما فدا کردن مادر را جایز نمیدانم، پدر باید از حیات دختر چشم پوشد و زنش را خلاص نماید، فکر اول ناپسند و مردود است، عادات و رسوم طوائف وحشیه را تجدید میکند، ماسکه لاف انسانیت میزنیم نمیتوانیم با این عقیده موافق باشیم، زن و مرد دورکن مهم خانواده اند و در حکم درختی هستند، اولاد میوه های این درختند، میوه را می چینند، خودش میبافتند، اما بدرخت آسیبی نمیرسد، مادری که با تربیت اولاد بعالم انسانیت خدمت

کرده هلاکش جایز نیست و باید زنده بماند .

۳ - من از این دو محاکمه هیچک را صحیح نمیدانم . این يك مطالعه شخصی و مادی است ، باید از نقطه نظر منفعت و مصاحبت عمومی در این مسئله تامل نمود ، شوهری که در این مهلکه گرفتار شده اگر زوجه خود را فدا کند حس محبت و حمایت و نوازشی را که در هیئت اجتماعیه زن از شوهر متوقع است زیر پا گذاشته و نابود کرده است .

اگر دختر را از بالا انداخته او را وقایه خویش سازد کدام فرزند میتواند از شفقت و غمگساری پدرایمن باشد ، در اینجا احساسات خانوادگی و ابوت را باید ملاحظه نمود و اهمیت داد ، بازیکر اگر بچنین کاری اقدام کند برای خلاصی دو نفر انتظام عائله را بهم زده و روابط افراد خانواده بشریت را کسینخته است ، این ادم باید انتخاب آن و این را کنار گذاشته نه از زن نه از دختر دست بردارد برای آنها و با آنها بمردن راضی شود .

این است سه محاکمه مختلف ، شما که این اظهارات را میخوانید

چه عقیده دارید ؟

